



سرویس های  
ویژه



سرویس ترجمه  
تخصصی



کارگاه های  
آموزشی



بلاگ  
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری  
STES



فیلم های  
آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



کارگاه آنلاین  
بررسی مقابله ای متون (مقدماتی)



کارگاه آنلاین  
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی



کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی  
بین المللی و  
ترافد های جستجو

## کاربرد قواعد منطق تصدیقات در احادیث امام رضا (علیه السلام)

دکتر مصطفی فقیه اسفندیاری\* محسن پیمان\*\*

### چکیده

مقاله‌ی پیش رو به کاربرد قواعد منطق تصدیقات در احادیث امام رضا (ع) معطوف شده است و احادیث آن حضرت در ساختار هریک از استدلال‌های مباشر و غیر مباشر، مورد تحلیل و بررسی منطقی قرار گرفته‌اند. در این نوشتار، متناسب با هریک از قواعد منطق تصدیقات، نمونه‌ای از حدیث حضرت رضا (علیه السلام) را آورده و از منظر علم منطق، به تحلیل آن پرداخته‌ایم. احادیث رضوی در سیستم‌ها، جداول و اشکال منطقی فعال‌سازی شده‌اند تا در موارد اختلاف نظر بین اندیشمندان علم منطق، بتوان به حدیث رضوی، چونان مؤیدی درون‌دینی تمسک جست.

این مقاله با رویکرد «استدلال‌یابی» تألیف شده است. حضرت ممکن است در یک کلام و به صورت پیوسته، مطلبی را بیان کنند که از ساختاری منطقی برخوردار است بدون اینکه دخل و تصرفی از بیرون صورت گیرد. اما گاه پیش می‌آید که در روایتی، نظم کلاسیک قواعد منطقی رعایت نشده است. در اینجا ناچاریم که روایت را با توجه به نظم کلاسیک قواعد منطق، بازسازی نماییم و چینشش را با این قواعد سازگار کنیم..

**واژه‌های کلیدی:** ۱. منطق رضوی، ۲. منطق تصدیقات، ۳. منطق کاربردی، ۴. استدلال مباشر، ۵. استدلال غیرمباشر.

### ۱. مقدمه

منطق را ابزار بازدارنده از خطا نام نهاده‌اند و این نام تداعی‌گر آلی بودن علم منطق است. از این رو باید آن را در علوم دیگر به کار گرفت و کاربرد آن را در سایر علوم، شیوع بخشید. منطق درواقع، خادم العلوم است، از جمله علوم دینی، که می‌توان قواعد منطق را در آن‌ها کاربردی نمود. برای نمونه، با نظر به احادیث حضرت امام رضا (علیه السلام)، می‌توان از آن‌ها جهت جریان‌سازی قواعد منطقی بهره گرفت. کشف تفصیلی قواعد منطقی در آموزه‌های رضوی و نفی نگاه عامیانه به گزاره‌های دینی، انگیزه‌ی نخست ما در این

\* استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی  
Rahigh504@gmail.com

\*\* دانش‌پژوه سطح ۳ حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد مقدس

نوشتار است؛ لذا درصدد تبیین و کاربرد قواعد منطق تصدیقات در آموزه‌ها و معارف رضوی برآمدیم.

## ۲. استدلال مباشر در حدیث رضوی (علیه السلام)

### ۲.۱. عکس مستوی

حضرت رضا (ع) می‌فرمایند:

«إِنَّ الْعَابِدَ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَمْ يَكُنْ عَابِدًا حَتَّى يَصُومَ عَشْرَ سِنِينَ»  
(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج: ۷۵، ص: ۳۴۵).

حضرت رضا در این کلام پیوسته، در مقام معرفی جایگاه عابد بنی اسرائیل هستند. از نگاه ایشان، تنها کسی به این مرتبه می‌رسد که ده سال روزه بگیرد. اگر چنین کند، به جایگاه عبودیت دست می‌یابد.

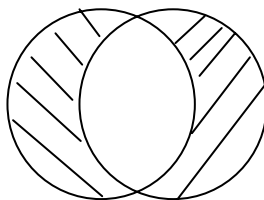
اگر بخواهیم به تحلیل این روایت از منظر علم منطق بپردازیم، صدر روایت را باید قضیه‌ی اصل قرار دهیم. این گزاره از دو جزء «عبودیت» و «ده سال روزه‌گرفتن» تشکیل یافته است که با تغییر جایگاه این دو جزء، به اقامه‌ی استدلال مباشر از نوع عکس مستوی دست می‌یابیم. این استدلال در ادامه‌ی حدیث حضرت رضا این‌گونه ذکر شده است:

«إِنَّ الْعَابِدَ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَمْ يَكُنْ عَابِدًا حَتَّى يَصُومَ عَشْرَ سِنِينَ»  
فَإِذَا صَمَّتْ عَشْرَ سِنِينَ كَانَ عَابِدًا»

از آنجا که در استدلال مذکور، شرایط عکس مستوی اعمال شده است، این استدلال رضوی از اعتبار منطقی لازم برخوردار است و علاوه‌برآن، حفظ کم نیز در این استدلال، ما را به این نکته ره می‌نماید که اگر بین دو جزء قضیه رابطه‌ی تساوی برقرار بود، می‌توان با حفظ کم، عکس مستوی قضیه‌ی موجهی کلیه را در ساختار موجهی کلیه ارائه نمود.

تصویر منطقی استدلال مذکور را می‌توان در شکل زیر مشاهده نمود:

عابد ده سال روزه‌گرفتن



### ۲.۲. عکس نقیض

حضرت رضا (علیه السلام) فرموده است:

«إِنَّ الشَّيْءَ إِذَا لَمْ يَكُنْ أَزَلِيًّا كَانَ مُخْدَتًا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج: ۱۰، ص: ۳۳۱)

# کاربرد قواعد منطق تصدیقات در احادیث امام رضا (علیه السلام) ۴۳۳

در این روایت، دو اصطلاح ازلی و حدوث ذکر شده، لذا در آغاز بحث، ابتداء به تعریف این دو واژه می‌پردازیم:

واژه‌ی «ازلی» را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «شیئی که همیشه بوده و زمانی نبوده که این شیء نباشد و این شیء مسبوق به عدم نیست».

در تعریف واژه‌ی «محدث» نیز این‌گونه ذکر شده: «شیئی که در سابق نبوده، آنگاه به وجود آمده و لذا مسبوق به عدم است» (طباطبائی، ۱۳۸۰، ص: ۸۹۱).

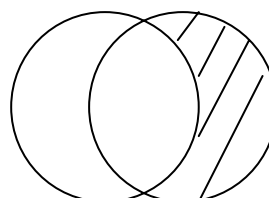
با توجه به تعریف مذکور، از این دو واژه درمی‌یابیم که یک شیء نمی‌تواند مجمع برای هر دو اصطلاح باشد و براساس رابطه‌ی منطقی مانعه الجمع، تنها اتصافش به یکی از آن دو جائز است. از این رو حضرت در صدر روایت می‌فرمایند: «اگر شیئی مصداق محدث محسوب گردد دیگر نمی‌تواند به ازلی متصف شود».

در تحلیل منطقی این روایت، گفته می‌شود که صدر روایت قضیه‌ی اصل محسوب می‌شود که موجهه‌ی کلیه است و از دو جزء «عدم ازلی» و «محدث» تشکیل شده است. در مقام استنتاج عکس نقیض، باید بعد از تبدیل این دو جزء به نقیض، جایگاه آن دو را تغییر دهیم. این استنتاج در ادامه‌ی روایت حضرت این‌گونه ذکر شده است:

«إِنَّ الشَّيْءَ إِذَا لَمْ يَكُنْ أَزَلِيًّا كَانَ مُحْدَثًا  
وَ إِذَا لَمْ يَكُنْ مُحْدَثًا كَانَ أَزَلِيًّا»

تصویر منطقی استدلال مذکور را می‌توان در شکل زیر مشاهده نمود:

عدم ازلی                      محدث



در این مثال روایی، موجهه‌ی کلیه به موجهه‌ی کلیه‌ی عکس نقیض شده است. از جمله اختلافاتی که در مبحث عکس نقیض در بین اندیشمندان منطقی مطرح است وجود عکس نقیض برای موجهه‌ی کلیه است. افرادی همچون خواجه نصیرالدین طوسی عکس نقیض را برای موجهه‌ی کلیه انکار کرده‌اند (طوسی، ۱۳۸۸، صص: ۹۴-۹۶)، اما با توجه به استعمال و کاربرد عکس نقیض در کلام معصوم، می‌توان این حدیث را مؤیدی درون‌دینی برای قائلین به عکس نقیض برای موجهه‌ی کلیه دانست.

## ۲.۳. نقض التام

حضرت رضا (علیه السلام) می‌فرمایند:

«من عرف حقنا وجب حقه» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج: ۷۸، ص: ۳۴۰)

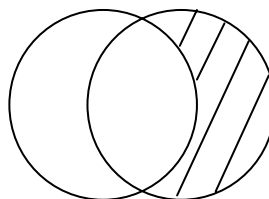
این قسمت از روایت، که قضیه‌ی اصل محسوب می‌شود، از دو جزء «من عرف حقنا» و «وجب حقه» تشکیل شده است. برای دست یابی به نقض التام آن باید هر دو جزء قضیه‌ی اصل با حفظ جایگاهشان، نقض شود که این فرایند در ادامه‌ی روایت صورت گرفته است:

«من عرف حقنا وجب حقه

و من لم يعرف حقنا فلا حق»

شکل زیر نمایشگر تصویر منطقی استدلال مذکور است:

عارف به حق وجب حقه



منطق‌دانان در اعتبار نقض التام اختلاف نظر دارند؛ برخی آن را معتبر می‌دانند و برخی به بی‌اعتباری آن رأی داده‌اند (فارابی، ۱۴۰۸، ج: ۱، ص: ۲۴۷). اما از آنجا که حدیث حضرت در ساختار و قالب نقض التام ذکر شده است، چه بسا گروه دوم ناچار باشند در مقدمات و فرایند نظریه‌ی خود تجدیدنظر نمایند.

## ۳. استدلال غیر مباشر در حدیث رضوی (علیه السلام)

### ۳.۱. قیاس اقترانی حملی، شکل اول

حضرت رضا (علیه السلام) می‌فرمایند:

«كُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ

وَ كُلُّ ضَلَالَةٍ إِلَى النَّارِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج: ۲، ص: ۳۰۸)

كُلُّ بَدْعَةٍ إِلَى النَّارِ

این مثال روایی شامل قیاس اقترانی حملی شکل اول و حدوسط آن واژه‌ی «ضلاله» است که در صغری، محمول و در کبری، موضوع قرار گرفته است. واژگان «بدعه» و «الی

کاربرد قواعد منطق تصدیقات در احادیث امام رضا (علیه السلام) ۴۳۵

النار» نیز حدود اصغر و اکبر قیاس هستند. از آنجا که هر دو مقدمه‌ی این قیاس موجبیه کلیه است، ضرب اول از شکل اول (Barbara) را تشکیل می‌دهد. این ضرب نسبت به سه ضرب دیگر، اقوی است و همان‌گونه که سایر اشکال توسط شکل اول، که بدیهی الإنتاج است، به اثبات می‌رسند، سائر ضروب شکل اول نیز توسط ضرب «Barbara» اثبات می‌شوند.

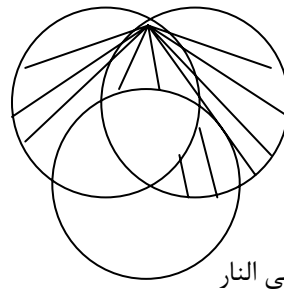
اهمیت ضرب «Barbara» به حدی است که ارسطو بعدها دریافت که منطق حملی را می‌توان در نهایت براساس دو ضرب «Barbara» و «Celarent» تأسیس کرد. زیسلاو لجسکی در مقاله‌ی «منطق قدیم» از *دائرة المعارف فلسفی* می‌نویسد: «ارسطو بعدها مبانی اصل موضوعی سیستم قیاسی خویش را با نشان دادن این که قیاس‌های Barbara و Celarent دیگر قیاسات را نتیجه می‌دهند ساده‌تر ساخت». ارسطو دریافت که منطق حملی را می‌توان بر مبنای دو ضرب Barbara و Celarent تأسیس کرد و به عبارت دیگر، دو ضرب Darii و Ferio را از ضرب Celarent استنتاج نمود (نبوی، ۱۳۷۶، ص: ۱).

اما آیا می‌توان تعداد ضروب پایه را تقلیل داد و به جای دو ضرب، یک ضرب را پایه‌ی سیستم منطق حملی معرفی کرد؟ برخی از اساتید در پاسخ به سؤال مذکور، درصدد ارائه‌ی سیستمی برآمده‌اند که بیش از یک ضرب نداشته باشد. این ضرب پایه و محوری ضرب Ferio (یعنی ضعیف‌ترین ضرب منتج از شکل اول) است. آنها بر این باورند که با پایه قراردادن ضرب تمامی قواعد عکس (عکس مستوی - نقیض) و همچنین دیگر ضروب معتبر (منتج) شکل اول قیاس، به‌ویژه سه ضرب Barbara، Celarent، Darii، به‌منزله‌ی قواعد فرعی، اثبات‌پذیرند و با اثبات این سه ضرب بر مبنای Ferio، تمامی ضروب معتبر (منتج) شکل دوم، سوم و چهارم قیاس حملی نیز، چون تحویل‌پذیر به شکل اول‌اند، اثبات‌پذیر می‌گردند (نبوی، ۱۳۷۶، ص: ۳).

البته این نظریه از سوی برخی از اساتید منطق با این پرسش انتقادی مواجه شده است که آیا اثبات ضربی اقوی به نام Barbar توسط ضرب اضعف Ferio منطقی و مقبول است؟

اعتبار منطقی این قیاس روایی را می‌توان از طریق دوایر ون نیز مورد بررسی قرار

داد:



با توجه به شکل فوق، قیاس روایی مذکور از منظر دوایر ون نیز معتبر است، زیرا وضعیت دو دایره‌ی S و P نتیجه‌ی قیاس را تأیید می‌کند. لذا این استدلال معتبر است. این قیاس روایی براساس قواعد روش انبساطِ حدود نیز معتبر است؛ زیرا هریک از مقدمات قیاس دارنده‌ی قاعده‌ی اول روش انبساط است و دارنده‌ی قاعده‌ی دوم نیز کبرای قیاس است.

### ۲.۳. قیاس اقترانی حملی، شکل سوم

حضرت رضا (علیه السلام) می‌فرمایند:

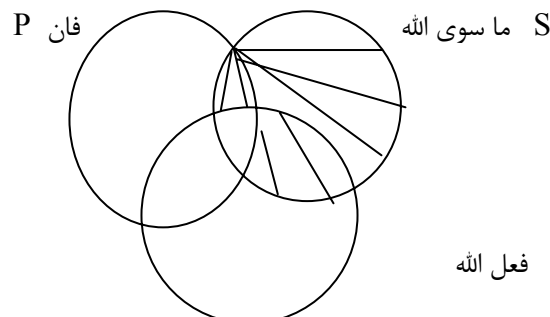
«أَنَّ مَا سِوَى اللَّهِ فَاِنْ

وَ مَا سِوَى اللَّهِ فِعْلُ اللَّهِ» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج: ۲، ص: ۴۰۵)

بعض فان فعل الله

قیاس روایی مذکور، قیاس اقترانی حملی شکل سوم است. حدوسط این قیاس روایی واژه‌ی «ماسوی الله» است که در صغری و کبری، موضوع قرار گرفته است. واژگان «فان» و «فعل الله» نیز به‌ترتیب، حد اصغر و حد اکبر هستند. این قیاس روایی به‌دلیل برخورداری از شرایط شکل سوم، منطقاً معتبر است.

تصویر منطقی این قیاس روایی را می‌توان در شکل زیر مشاهده نمود:



کاربرد قواعد منطق تصدیقات در احادیث امام رضا (علیه السلام) ۴۳۷

با توجه به شکل فوق، قیاس روایی مذکور از منظر دوایر ون نیز معتبر است؛ زیرا وضعیت دو دایره‌ی S و P، نتیجه‌ی قیاس را تأیید می‌کند. لذا این استدلال معتبر است. این قیاس روایی براساس قواعد روش انبساط حدود نیز معتبر است، زیرا هریک از مقدمات قیاس دارنده‌ی قاعده‌ی اول می‌باشند و قاعده‌ی دوم در این قیاس روایی، جاری نیست؛ زیرا در قاعده‌ی دوم گفته می‌شود: «هر حدی که در نتیجه منبسط است باید در مقدمه‌ی مربوط به خود نیز منبسط باشد». اما نتیجه در این قیاس روایی موجه‌ی جزئی است و لذا موضوع و محمول آن غیرمنبسط است.

### ۳.۳. قیاس اقترانی شرطی (حملیه – متصله)

حضرت رضا (علیه السلام) فرموده است:

«مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ أَفْعَالَنَا ثُمَّ يُعَذِّبُنَا عَلَيْهَا فَقَدْ قَالَ بِالْجُبْرِ

الْقَائِلُ بِالْجُبْرِ كَافِرٌ» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج: ۲، ص: ۲۶۱)

مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ أَفْعَالَنَا ثُمَّ يُعَذِّبُنَا عَلَيْهَا كَافِرٌ

قیاس روایی مذکور، اقترانی شرطی است که صغرای آن قضیه‌ی شرطیه و کبرایش قضیه‌ی حملیه بوده، بین مقدم و تالی در صغری، رابطه‌ی لزومی برقرار است؛ بدین معنا که هرکس این پندار را داشته باشد که خداوند فاعل افعال ماست و آنگاه ما را به سبب آن افعال مجازات می‌کند ناگزیر قائل به جبر شده است؛ به عبارت دیگر، بین این پندار و قول به جبر، ملازمه برقرار است.

این گزاره‌ی شرطی از منظر منطق ریاضی، قطعاً صادق است، هرچند هر دو جزء آن (مقدم و تالی) کاذب باشند؛ زیرا در منطق ریاضی، هرگاه شرطی از دو جزء کاذب تشکیل شود، صادق خواهد بود.

جدول ارزشی صدق و کذب صغرای شرطی به قرار زیر است:

|                                                                                                         |                          |                                                                              |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------|------------------------------------------------------------------------------|
| «مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ أَفْعَالَنَا ثُمَّ يُعَذِّبُنَا عَلَيْهَا فَقَدْ قَالَ بِالْجُبْرِ» | فَقَدْ قَالَ بِالْجُبْرِ | مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ أَفْعَالَنَا ثُمَّ يُعَذِّبُنَا عَلَيْهَا |
| $P \rightarrow Q$                                                                                       | Q                        | P                                                                            |
| T                                                                                                       | F                        | F                                                                            |

جدول ارزشی صدق و کذب نتیجه محذوف:

|                                                                                        |      |                                                                              |
|----------------------------------------------------------------------------------------|------|------------------------------------------------------------------------------|
| «مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ أَفْعَالَنَا ثُمَّ يُعَذِّبُنَا عَلَيْهَا كَافِرٌ» | کافر | مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ أَفْعَالَنَا ثُمَّ يُعَذِّبُنَا عَلَيْهَا |
| $P \rightarrow R$                                                                      | R    | P                                                                            |
| T                                                                                      | F    | F                                                                            |

۳.۴. قیاس اقترانی شرطی (متصله – متصله)

حضرت رضا (علیه السلام) می‌فرمایند:

«مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يُكْمِلْ دِينَهُ فَقَدْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ

وَمَنْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ كَافِرٌ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج: ۱، ص: ۱۹۸)

مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يُكْمِلْ دِينَهُ فَهُوَ كَافِرٌ

حدیث فوق قیاس اقترانی شرطی است و از آنجا که هر دو مقدمه‌ی آن با واژه‌ی «من» موصول آغاز گشته، مقدمات این قیاس، شرطیه‌ی متصله است. لذا در این مرحله در صدد آن هستیم که هرکدام از مقدمات، نتیجه‌ی محذوف و قیاس اقترانی شرطی را در جدول‌های ارزشی صدق و کذب بررسی نماییم:

جدول ارزشی صدق و کذب صغری

|                                                              |                              |                                                                                           |
|--------------------------------------------------------------|------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------|
| مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يُكْمِلْ دِينَهُ | فَقَدْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ | مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يُكْمِلْ دِينَهُ فَقَدْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ |
| P                                                            | Q                            | P → Q                                                                                     |
| F                                                            | F                            | T                                                                                         |

جدول ارزشی صدق و کذب کبری

|                                             |                |                            |
|---------------------------------------------|----------------|----------------------------|
| وَمَنْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ كَافِرٌ | فَهُوَ كَافِرٌ | مَنْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ |
| Q → R                                       | R              | Q                          |
| T                                           | F              | F                          |

جدول ارزشی صدق و کذب نتیجه محذوف

|                                                 |                |                                                 |
|-------------------------------------------------|----------------|-------------------------------------------------|
| مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يُكْمِلْ دِينَهُ | فَهُوَ كَافِرٌ | مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يُكْمِلْ دِينَهُ |
| p → R                                           | R              | p                                               |
| T                                               | F              | F                                               |

جدول ارزشی صدق و کذب قیاس اقترانی شرطی

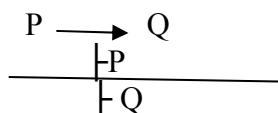
|                                                 |                              |                |                                                                              |                                             |                                                 |
|-------------------------------------------------|------------------------------|----------------|------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------|-------------------------------------------------|
| مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يُكْمِلْ دِينَهُ | فَقَدْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ | فَهُوَ كَافِرٌ | مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يُكْمِلْ دِينَهُ فَقَدْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ | وَمَنْ رَدَّ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ كَافِرٌ | مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يُكْمِلْ دِينَهُ |
| p                                               | Q                            | R              | P → Q                                                                        | Q → R                                       | P → R                                           |
| F                                               | F                            | F              | T                                                                            | T                                           | T                                               |

کاربرد قواعد منطق تصدیقات در احادیث امام رضا (علیه السلام) ۴۳۹

### ۳.۵. قیاس استثنایی متصله

حضرت رضا (علیه السلام) می‌فرمایند:

«لَوْ كَانَ خَلْقٌ مَا خَلَقَ لِحَاجَةٍ مِنْهُ لِقَائِلٍ أَنْ يَقُولَ يَتَحَوَّلُ إِلَى مَا خَلَقَ لِحَاجَتِهِ إِلَى ذَلِكَ وَ لَكِنَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَخْلُقْ شَيْئاً لِحَاجَةٍ وَ لَمْ يَزَلْ نَابِتاً» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج: ۱۰، ص: ۳۱۷).



این فرمایش حضرت رضا(ع) در ساختار قیاس استثنایی متصله بیان شده است و از آنجا که صغرای قیاس، قضیه‌ی شرطیه‌ی متصله است، جدول ارزشی صدق و کذب آن به قرار زیر است:

|                                                                                                                            |                                                                                               |                                                                              |
|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------|
| لَوْ كَانَ خَلْقٌ مَا خَلَقَ لِحَاجَةٍ مِنْهُ لِقَائِلٍ أَنْ يَقُولَ يَتَحَوَّلُ إِلَى مَا خَلَقَ لِحَاجَتِهِ إِلَى ذَلِكَ | لِحَاجَةٍ مِنْهُ لِقَائِلٍ أَنْ يَقُولَ يَتَحَوَّلُ إِلَى مَا خَلَقَ لِحَاجَتِهِ إِلَى ذَلِكَ | لِقَائِلٍ أَنْ يَقُولَ يَتَحَوَّلُ إِلَى مَا خَلَقَ لِحَاجَتِهِ إِلَى ذَلِكَ |
| <b>P</b>                                                                                                                   | <b>Q</b>                                                                                      | <b>P → Q</b>                                                                 |
| <b>F</b>                                                                                                                   | <b>F</b>                                                                                      | <b>T</b>                                                                     |

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، این قیاس روایی به‌ظاهر در ساختاری مغالطه‌نما بیان شده است که از نوع رفع مقدم است، درحالی‌که نمی‌توان از رفع مقدم به نتیجه‌ی قطعی رسید. اما با تأمل و دقت در رابطه بین مقدم و تالی قضیه‌ی شرطیه، متوجه خواهیم شد که رابطه‌ی شرطی بین مقدم و تالی یک‌طرفه نیست، بلکه طرفینی است و این گزاره مصداق قضایای دوشروطی است که با رفع هرکدام از طرفین، طرف مقابل را می‌توان نتیجه‌گیری کرد. در این صورت، مغالطه محقق نمی‌شود. بنابراین باید نماد بین مقدم و تالی صغرای قیاس مذکور را دوشروطی لحاظ نمود.

معلوم شد که رابطه‌ی منطقی بین مقدم و تالی، ترکیب دوشروطی است و این‌گونه گزاره‌ها زمانی صادق است که هر دو جزء آن صادق و یا هر دو جزء آن کاذب باشند و از آنجا که هر دو جزء این ترکیب شرطی کاذب است لذا تمام روایت صادق خواهد بود (حیدری، ۱۳۹۳، ص: ۱۶۶).

جایگاه این ترکیب شرطی روایی در جدول ارزشی صدق و کذب، مربوط به سطر

چهارم است:

| <b>P</b> | <b>Q</b> | <b>P ↔ Q</b> |
|----------|----------|--------------|
| ۱        | ۱        | ۱            |
| ۱        | ۰        | ۰            |

۴۴۰ مجموعه مقالات نخستین همایش اهل بیت (ع) و تولید علم

|   |   |   |
|---|---|---|
| ۰ | ۱ | ۰ |
| ۰ | ۰ | ۱ |

۳.۶. قیاس استثنایی منفصله

حضرت رضا (علیه السلام) می‌فرمایند:

«خَرَجَ أَبُو خَنِيفَةَ ذَاتَ يَوْمٍ مِنْ عِنْدِ الصَّادِقِ ع فَاسْتَقْبَلَهُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ع فَقَالَ لَهُ يَا غُلَامُ مِمَّنِ الْمُعْصِيَةُ فَقَالَ لَا تَخْلُو مِنْ ثَلَاثَةٍ إِمَّا أَنْ تَكُونَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَيْسَتْ مِنْهُ فَلَا يَنْبَغِي لِلْكَرِيمِ أَنْ يُعَذِّبَ عَبْدَهُ بِمَا لَمْ يَكْتَسِبْهُ وَ إِمَّا أَنْ تَكُونَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ مِنَ الْعَبْدِ فَلَا يَنْبَغِي لِلشَّرِيكِ الْقَوِيَّ أَنْ يَظْلِمَ الشَّرِيكَ الضَّعِيفَ وَ إِمَّا أَنْ تَكُونَ مِنَ الْعَبْدِ وَ هِيَ مِنْهُ» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج: ۱، ص: ۱۳۸)

ترجمه این روایت به زبان منطقی عبارت است از:

عاصی یا خداوند است یا خداوند و انسان است و یا انسان است  $P \vee (P \wedge Q) \vee Q$   
عاصی خداوند نیست.  $\neg P$   
عاصی خداوند و انسان نیست.  $\neg (P \wedge Q)$

عاصی انسان است.  $Q$

قیاس روایی مذکور، قیاس استثنایی منفصله است که از مقدمات منفصله و حملیه تشکیل شده است. قضیه‌ی منفصله‌ای که صغرای قیاس قرار گرفته، منفصله‌ی کثیر الاجزاء است که در آن، یکی از دو قاعده‌ی زیر اعمال می‌گردد:

- ۱- وضع هر مؤلفه نقیض مؤلفه‌های دیگر را نتیجه می‌دهد به نحو عطف؛
  - ۲- نقیض هر مؤلفه عین مؤلفه‌های دیگر را نتیجه می‌دهد به نحو انفصال.
- با ملاحظه در مثال روایی مذکور، متوجه می‌شویم که قیاس روایی، قیاس مرکب مفصول است، لذا تبدیل آن به قیاس موصول به شرح زیر می‌باشد:

قیاس اول:

عاصی یا خداوند است یا خداوند و انسان است و یا انسان است.  $P \vee (P \vee Q) \vee Q$   
عاصی خداوند نیست.  $\neg P$

عاصی یا خداوند و انسان است و یا انسان است.  $(P \vee Q) \vee Q$   
قیاس دوم:

عاصی یا خداوند و انسان است و یا انسان است  $(P \vee Q) \vee Q$   
عاصی خداوند و انسان نیست  $\neg (P \vee Q)$   
پس عاصی انسان است.  $Q$

کاربرد قواعد منطق تصدیقات در احادیث امام رضا (علیه السلام) ۴۴۱

بررسی صدق و کذب قیاس روایی

قضیه‌ی منفصله‌ی حقیقیه در صورتی صادق است که یک جزء آن صادق و جزء دیگر آن کاذب باشد و در صورتی کاذب است که هر دو جزء آن صادق و یا هر دو جزء آن کاذب باشد. براین‌اساس، قیاس روایی مذکور صادق است، زیرا برخی از مؤلفه‌های آن صادق و برخی کاذب است:

|                                                                                                                                          |                                       |                                                    |                                  |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------|----------------------------------------------------|----------------------------------|
| إِمَّا أَنْ تَكُونَ مِنَ اللَّهِ، وَإِمَّا أَنْ تَكُونَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ مِنْ الْعَبْدِ، إِمَّا أَنْ تَكُونَ مِنَ الْعَبْدِ | وَ إِمَّا أَنْ تَكُونَ مِنَ الْعَبْدِ | إِمَّا أَنْ تَكُونَ مِنَ اللَّهِ وَ مِنْ الْعَبْدِ | إِمَّا أَنْ تَكُونَ مِنَ اللَّهِ |
| $P \vee (P \wedge Q) \vee Q$                                                                                                             | $Q$                                   | $(P \wedge Q)$                                     | $P$                              |
| T                                                                                                                                        | T                                     | F                                                  | F                                |

۷.۳. قیاس مضمر

«قَالَ الرَّضَاءُ أَلَا تُخْبِرُنِي عَنِ الْإِزَادَةِ فِعْلٌ أَمْ هِيَ غَيْرُ فِعْلٍ؟ قَالَ بَلْ هِيَ فِعْلٌ قَالَ فَهِيَ مُحْدَثَةٌ لِأَنَّ الْفِعْلَ كُلَّهُ مُحْدَثٌ» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج: ۲، ص: ۴۰۴).

چینش اولیه‌ی این روایت براساس نظم و ساختار منطقی، بهشرح زیر است:

هی (اراده) فعل

سخن سلیمان:

حضرت رضا: «فَهِيَ مُحْدَثَةٌ لِأَنَّ الْفِعْلَ كُلَّهُ مُحْدَثٌ»

صغرای قیاس در حدیث حضرت رضا (علیه السلام) ذکر نشده است لذا این روایت قیاس مضمر محسوب می‌گردد.

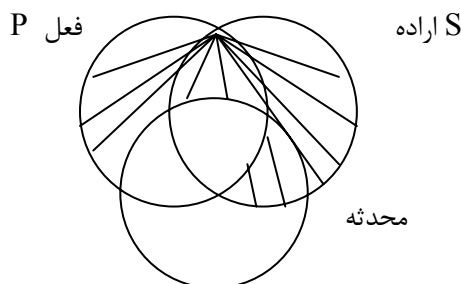
قیاس روایی مذکور از نظم کلاسیک منطقی لازم برخوردار نیست، چراکه صغری در آن ذکر نشده و نتیجه بر کبرای قیاس مقدم شده است. لذا بازسازی استدلال و ساختار کامل و طبیعی قیاس روایی براساس قواعد کلاسیک منطق به قرار زیر است:

هی (اراده) فعل  
«لِأَنَّ الْفِعْلَ كُلَّهُ مُحْدَثٌ»  
فَهِيَ مُحْدَثَةٌ

در این قیاس روایی، واژه‌ی «فعل» حد وسط است که محمول در صغری و موضوع در کبری قرار گرفته و ضمیر «هی» حد اصغر است و حد اکبر آن «محدثه» است. لذا این

قیاس روایی، قیاس اقترانی حملی شکل اول می باشد که به دلیل دارا بودن شرایط شکل اول، از اعتبار منطقی برخوردار است.

تصویر منطقی قیاس روایی مذکور را می توان در شکل زیر مشاهده نمود:



این قیاس روایی از منظر دوائر ون نیز معتبر است زیرا وضعیت دو دایره S و P، نتیجه ی قیاس را تأیید می کند.

قیاس روایی مذکور از منظر قواعد روش انبساط حدود نیز معتبر است، زیرا کبرای قیاس دارنده ی شرط اول (حدوسط حداقل در یکی از دو مقدمه منبسط باشد) است، اما قاعده ی دوم در این قیاس روایی جاری نیست، زیرا در قاعده ی دوم گفته می شود: «هر حدی که در نتیجه منبسط است باید در مقدمه ی مربوط به خود نیز منبسط باشد». نتیجه در این قیاس روایی موجهه ی جزئیه است و لذا موضوع و محمول آن غیر منبسط است.

### ۸.۳. قیاس ضمیر

قَالَ سَلِيمَانُ إِنَّهَا مَصْنُوعَةٌ قَالَ فِيْهِ مَحْدَثَةٌ لَيْسَتْ كَالسَّمْعِ وَ الْبَصَرِ لِأَنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ لَيْسَا بِمَصْنُوعَيْنِ وَ هَذِهِ مَصْنُوعَةٌ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج: ۱۰، ص: ۳۳۴)

چینش اولیه این روایت براساس نظم و ساختار منطقی به شرح زیر است:

فِيْهِ مَحْدَثَةٌ

هَذِهِ مَصْنُوعَةٌ

قیاس روایی مذکور به خاطر نبود یکی از مقدمات در حدیث حضرت رضا (علیه السلام)، علاوه بر این که قیاس مضمَر محسوب می شود، قیاس ضمیر نیز به شمار می آید زیرا مقدمه محذوف، کبری قیاس است.

این قیاس روایی از نظم کلاسیک قواعد منطقی برخوردار نیست چرا که کبری قیاس ذکر نشده و نتیجه نیز بر صغری مقدم شده است لذا بازسازی استدلال و ساختار کامل و طبیعی قیاس روایی از منظر قواعد کلاسیک علم منطق عبارت است از:

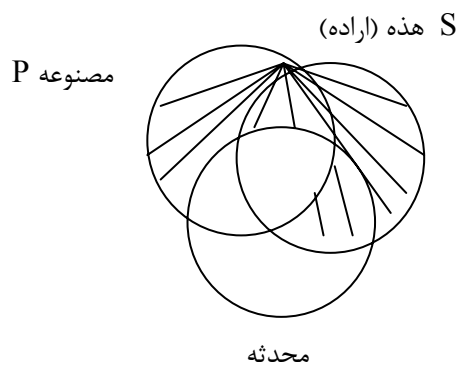
هذه مَصْنُوعَةٌ

کل مصنوعه محدثه

فَقِيَّ مُحَدَّثَةٌ

در این قیاس روایی، واژه‌ی «مصنوعه» حدوسط است که محمول در صغری و موضوع در کبری قرار گرفته است. حدصغر این قیاس ضمیر «هی» و حداکبر آن «محدثه» می‌باشد. لذا این قیاس روایی، قیاس اقترانی حملی شکل اول است که به دلیل دارا بودن شرایط شکل اول، معتبر است.

تصویر منطقی قیاس روایی را می‌توان در شکل زیر مشاهده نمود:



این قیاس روایی از منظر دوایر ون نیز معتبر است، زیرا وضعیت دو دایره‌ی S و P، نتیجه‌ی قیاس را تأیید می‌کند.

این قیاس روایی بر اساس قواعد روش انبساطِ حدود نیز معتبر است، زیرا هریک از مقدمات قیاس دارنده‌ی قاعده‌ی اول‌اند. قاعده‌ی دوم در این قیاس روایی جاری نیست، زیرا در قاعده‌ی دوم گفته می‌شود: «هر حدی که در نتیجه منبسط است باید در مقدمه‌ی مربوط به خود نیز منبسط باشد»، اما نتیجه در این قیاس روایی موجهه‌ی جزئی است و لذا موضوع و محمول آن غیرمنبسط است.

### ۹.۳. قیاس مرکب

حضرت رضا: «من وصف الله فقد حدّه

و من حدّه فقد عدّه

و من عدّه فقد أبطل أزلّه» (عطاردی خبوشانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص: ۲۳)

من وصف الله فقد أبطل أزلّه

۴۴۴ مجموعه مقالات نخستین همایش اهل بیت(ع) و تولید علم

این قیاس روایی به دلیل حذف نتیجه، قیاس مرکب مفصول است که تمامی مقدمات آن، قضیه‌ی شرطیه است. لذا لازم است که صدق و کذب هرکدام از مقدمات را مستقلاً بررسی کنیم:

جدول ارزشی صدق و کذب مقدمه‌ی اول:

| من وصف الله | فقد حدّه | من وصف الله فقد حدّه |
|-------------|----------|----------------------|
| <b>P</b>    | <b>Q</b> | <b>P→Q</b>           |
| <b>F</b>    | <b>F</b> | <b>T</b>             |

جدول ارزشی صدق و کذب مقدمه‌ی دوم:

| و من حدّه | فقد عدّه | و من حدّه فقد عدّه |
|-----------|----------|--------------------|
| <b>Q</b>  | <b>R</b> | <b>Q→R</b>         |
| <b>F</b>  | <b>F</b> | <b>T</b>           |

جدول ارزشی صدق و کذب مقدمه‌ی سوم:

| و من عدّه | فقد أبطل أزله | و من عدّه فقد أبطل أزله |
|-----------|---------------|-------------------------|
| <b>R</b>  | <b>S</b>      | <b>R→S</b>              |
| <b>F</b>  | <b>F</b>      | <b>T</b>                |

از آنجا که مقدم و تالی هرکدام از مقدمات قیاس مذکور کاذب است، لذا از منظر منطق ریاضی، تمام مقدمات صادق‌اند و در صورت صدق تمام مقدمات، نتیجه نیز محکوم به صدق است.

جدول ارزشی صدق و کذب نتیجه محذوف:

| من وصف الله | فقد أبطل أزله | من وصف الله فقد أبطل أزله |
|-------------|---------------|---------------------------|
| <b>P</b>    | <b>S</b>      | <b>P→S</b>                |
| <b>F</b>    | <b>F</b>      | <b>T</b>                  |

جدول ارزشی صدق و کذب قیاس مرکب مفصول:

| من وصف الله | و من عدّه | و من حدّه | من وصف الله فقد حدّه | فقد أبطل أزله | فقد عدّه   | فقد حدّه   | من وصف الله |
|-------------|-----------|-----------|----------------------|---------------|------------|------------|-------------|
| <b>P</b>    | <b>Q</b>  | <b>R</b>  | <b>S</b>             | <b>P→Q</b>    | <b>Q→R</b> | <b>R→S</b> | <b>P→S</b>  |
| <b>F</b>    | <b>F</b>  | <b>F</b>  | <b>F</b>             | <b>T</b>      | <b>T</b>   | <b>T</b>   | <b>T</b>    |

### ۳. ۱۰. قیاس مساوات

حضرت رضا: «الْإِيمَانُ أَفْضَلُ مِنَ الْإِسْلَامِ بِدَرَجَةٍ  
وَالْتَّقْوَى أَفْضَلُ مِنَ الْإِيمَانِ بِدَرَجَةٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص: ۱۷۱)

التَّقْوَى أَفْضَلُ مِنَ الْإِسْلَامِ

قیاس روایی فوق مصداقی از قیاس مساوات است، هرچند در آن، واژه‌ی «افضلیت» استعمال شده باشد نه واژه‌ی «مساوی»؛ زیرا تسمیه‌ی قیاس مساوات از باب نامیدن یک مفهوم کلی به نام مهم‌ترین نمونه و مصداق بارز آن است و قیاس مساوات درواقع، قیاس نسب است و چون بارزترین نسبت مساوی بوده است، منطق‌دانان در تحلیل ساختار منطقی چنین قیاسی، به نمونه‌ی بارز آن، که مساوی است، توجه کرده اند. پس چنین ساختاری تمام قیاس‌های متضمن نسبت را که از جمله‌ی آن، افضلیت است، در بر می‌گیرد.

یکی از مشکلاتی که منطق‌دانان در مواجهه با قیاس مساوات احساس می‌کردند تکرار نشدن عین حدوسط است که این مشکل در قیاس روایی مذکور نیز مشاهده می‌شود، زیرا حدوسط در کبری واژه‌ی «الایمان» و در صغری «افضل من الایمان» است. دانشمندان منطقی راه‌حل‌های گوناگونی ارائه داده‌اند که از جمله‌ی آنها راه‌حل مرحوم ملاصدرا است. او بر نفی ضرورت تکرار عین حدوسط رأی داده است (شیرازی، ۱۳۸۳، ص: ۱۴۰). از منظر وی، فقط در صورتی که حمل اکبر بر اصغر، مجهول و مطلوب ما باشد، باید حدوسط عیناً تکرار شود، اما اگر صدق بعض اکبر یا بیشتر از آن بر اصغر، مجهول باشد، به‌ناچار چیزی تکرار می‌شود که اکبر به اعتبار آن چیز با اصغر ارتباط می‌یابد. پس در این موارد، حدوسط گاهی با نقصان و گاهی با زیاده تکرار می‌شود که در مثال قیاس مساوات مذکور، حدوسط بالزیاده «افضل من» تکرار شده است.

نقش و اهمیت مقدمه‌ی خارجی در قیاس مساوات، نباید مورد کم‌توجهی قرار گیرد، چراکه قیاس مساوات خودبه‌خود نتیجه‌ای را به‌دنبال ندارد، بلکه نتیجه‌گیری از آن به‌درستی و نادرستی مقدمه‌ی خارجی بستگی دارد. لذا در قیاس روایی مذکور، صحت نتیجه‌گیری بر درستی مقدمه‌ی خارجی «افضل افضل افضل» متوقف است و نسبت بین اجزاء قضیه در قیاس روایی مذکور، از جمله نسبت‌های متعددی است و براین‌اساس، می‌توان قیاس روایی را قیاس مساوات نامید.

موضوع نتیجه‌ی این قیاس روایی مساوات، که حد اصغر است، واژه‌ی «التقوی» و محمول آن، که حد اکبر است، واژه‌ی «افضل من الاسلام» می‌باشد. همچنین با توجه به ذکر حد اصغر در مقدمه‌ی دوم، این مقدمه صغرای قیاس و با توجه به ذکر حد اکبر در

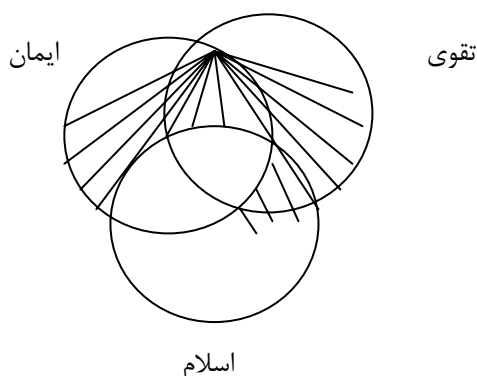
۴۴۶ مجموعه مقالات نخستین همایش اهل بیت (ع) و تولید علم

مقدمه‌ی اول، این مقدمه کبرای قیاس است. بنابراین کبری بر صغری مقدم شده است و قیاس مساوات شکل اول را ساخته است که ساختار آن براساس قواعد کلاسیک منطقی به شرح زیر است:

التَّقْوَى أَفْضَلُ مِنَ الْإِيمَانِ بِدَرَجَةٍ  
الْإِيمَانُ أَفْضَلُ مِنَ الْإِسْلَامِ بِدَرَجَةٍ»

التقوى افضل من الاسلام

مثال روایی فوق به دلیل دارا بودن شرائط شکل اول، از اعتبار منطقی لازم برخوردار است. تصویر منطقی قیاس روایی را می توان در شکل زیر مشاهده نمود:



این قیاس روایی از منظر قواعد روش انبساط حدود نیز معتبر است، زیرا هرکدام از مقدمات دارنده‌ی قاعده‌ی اول و کبرای قیاس نیز دارنده‌ی قاعده‌ی دوم می باشد. بنابر نظر اکثر منطق دانان، قیاس مساوات از اقسام قیاس مرکب است. آنها به شیوه‌های گوناگون و مشابه به تحلیل این قیاس پرداخته‌اند که از جمله آنها تحلیل مرحوم مظفر است. طبق روش وی، تحویل قیاس مساوات به قیاس مرکب، نیازمند طی هفت مرحله است (مظفر، ۱۴۲۳، ج: ۲، ص: ۲۶۲) که ما درصدد اِعمال آن مراحل بر مثال روایی برآمدیم:

۱- تقوى افضل از ایمان است

۲- ایمان افضل از اسلام است

۳- هرآنچه افضل از ایمان باشد افضل از ایمان است (بدیهی الصدق)

۴- هر آنچه افضل از ایمان باشد افضل افضل از اسلام است

کاربرد قواعد منطق تصدیقات در احادیث امام رضا (علیه السلام) ۴۴۷

- ۵- تقوی افضل از اسلام است (مقدمه ۱ و ۲)
- ۶- افضل افضل از اسلام، افضل از اسلام است (بدیهی الصدق)
- ۷- تقوی افضل از اسلام است (منشا ۵ و ۶) و هو المطلوب.

#### ۴. نتیجه‌گیری

با توجه به موقعیت تاریخی حضرت رضا (علیه السلام) در برگزاری جلسات متعدد مناظره با هریک از بزرگان ادیان سابق و با بررسی و تحلیل تفصیلی روایات رضوی از منظر قواعد منطقی، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که معارف رضوی یکی از بهترین منابع برای کشف روابط منطقی بین گزاره‌های دینی است و آموزه‌های آن حضرت ما را در تولید و نوآوری در زمینه‌ی مثال‌های روایی برای قواعد منطق تصدیقات، راه می‌نماید. همچنین می‌توان در نمودارها، سیستم‌ها و جدول‌های منطقی، احادیث حضرت رضا (علیه السلام) را جریان‌سازی نمود، به‌گونه‌ای که در مباحث اختلاف‌انگیز منطقی، دست برتر با احادیث رضوی باشد و این احادیثی به‌منزله‌ی مویدی درون‌دینی برای یک گروه باشند.

#### منابع

۱. حلی، حسن بن یوسف، (۱۳۸۷)، **منطق التجرید**، چاپ دوم، قم: انتشارات بیدار.
۲. حیدری، داود، (۱۳۹۳)، **منطق گزاره‌ای**، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۳. شیرازی، صدرالدین محمد، (۱۳۸۳)، **تعلیق بر شرح حکمه الاشراق**، چاپ دوم، قم: انتشارات بیدار.
۴. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۸ ق)، **عیون أخبار الرضا**، تهران: نشر جهان.
۵. طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۸۰)، **نهایه الحکمه**، چاپ دوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۳ ق)، **احتجاج**، مشهد: نشر المرتضی.
۷. عطاردی الخبوشانی، عزیزالله، (۱۴۰۶ ق)، **مسندالامام الرضا**، چاپ دوم، تهران: انتشارات کتابخانه صدر.
۸. فارابی، ابونصر، (۱۴۰۸ ق)، **المنطقیات للفارابی**، قم: مکتبه آیه الله المرعشی.
۹. کلینی رازی، محمد، (۱۳۶۵)، **الکافی**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۷. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، **بحار الانوار**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۴۴۸ مجموعه مقالات نخستین همایش اهل بیت(ع) و تولید علم

---

۸. مظفر، محمدرضا، (۱۴۲۳ق)، المنطق، چاپ دوم، قم: انتشارات دارالتفسیر.

۹. نبوی، لطف‌الله، (۱۳۷۶)، «منطق حملی بر اساس ضرب (IE-O)Ferio»، مدرّس علوم انسانی، ش ۵.



سرویس های  
ویژه



سرویس ترجمه  
تخصصی



کارگاه های  
آموزشی



بلاگ  
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری  
STES



فیلم های  
آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



کارگاه آنلاین  
بررسی مقابله ای متون (مقدماتی)



کارگاه آنلاین  
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی



کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی  
بین المللی و  
ترفند های جستجو